



فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۹، شماره پیاپی ۳۶، زمستان ۱۳۹۸

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

ارزیابی مشارکت سیاسی و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در جوامع شهری (مطالعه موردی: شهر لامرد، استان فارس)

محمدرضا قاندي؛ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲

صص ۱۱۸-۱۰۷

دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۰

چکیده

مشارکت سیاسی فراگیر شهروندان در امور مختلف یکی از نمادهای وجود دموکراسی و مشروعیت حاکمیت یک کشور است که دارای ابعاد متعددی می‌باشد. شرکت در انتخابات یکی از ابعاد مهم مشارکت سیاسی است که ارتقای سطح آن در گرو بهبود وضعیت دیگر ابعاد مشارکت سیاسی و شناسایی و تقویت عوامل موثر بر آن است. هدف پژوهش کاربردی حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و همسنجی انجام گرفته است ارزیابی مشارکت سیاسی و شاخص‌های آن و همچنین شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن در میان شهروندان شهر لامرد واقع در استان فارس است. همه شهروندان ۱۸ ساله و بیشتر، که واجد شرکت در انتخابات هستند جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند که بر اساس نتایج آخرین سرشماری، تعداد آن‌ها ۱۹۵۹۵ نفر بوده است. ابزار اصلی پژوهش برای گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی و پایایی آن تأیید شده است. با توجه به محدودیت‌های انجام سرشماری، با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۸ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند و پرسشنامه‌ها به صورت کاملاً تصادفی در میان شهروندان توزیع و تکمیل گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشترین و کمترین مشارکت سیاسی شهروندان در دو متغیر رأی دادن و نوشتن مقالات سیاسی به ترتیب با میانگین ۴/۲۶ و ۲/۳۲ بوده است. نتایج بررسی وضعیت کلی مشارکت سیاسی شهروندان نشان می‌دهد میانگین محاسبه شده با مقدار ۳/۱۳۱ بالاتر از حد متوسط می‌باشد. همچنین نتایج بررسی همبستگی میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش نشان داد بین مشارکت سیاسی و متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، استفاده از رسانه‌های داخلی، کیفیت زندگی، رضایت از عملکرد دولت، سرمایه اجتماعی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و آگاهی سیاسی، به لحاظ آماری ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد و میان استفاده از رسانه‌های خارجی و میزان مشارکت سیاسی ارتباط معنادار و منفی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل و درجه مذهبی بودن با میزان مشارکت سیاسی ارتباط معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار شهری، مشارکت شهروندی، مشارکت سیاسی، انتخابات، لامرد.

مقدمه:

شکل‌گیری جامعه مدنی به عنوان پدیده اجتماعی خاص تابع مجموعه‌ای از شرایط عینی و ذهنی ویژه‌ای است که خود بر اثر تحولات اجتماعی بلندمدت در مرحله ویژه‌ای از تاریخ جامعه به وجود می‌آیند. بنابراین، نمی‌توان هر زمان و در هر شرایط اجتماعی بنا به دلخواه خود جامعه مدنی را به دست آورد و باید حق انتخاب شدن، حق انتخاب کردن و حق داشتن مناصب عمومی را به عنوان حقوق ضروری برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه جهت تحقق جامعه مدنی در نظر بگیریم (Habibpour ketabi and mosavi khorshidi, 2016: 361-362) اگر حکومتی برای شهروندان، حق مشارکت قائل نباشد و بسترهای سنجیده مشارکت و حضور فعالانه شهروندان را فراهم نسازد، گرفتار انحطاط و فروپستگی سیاسی می‌شود. اما با مشارکت سیاسی، شهروندان در همه عرصه‌های قانون‌گذاری، داور، مدیریت، تصمیم‌سازی، انتخابات، همه‌پرسی، نظارت بر قدرت و نقد آن، اصلاح‌جویی برنامه‌های حکومت و شرکت در احزاب و گروه‌های سیاسی مشارکت فعال می‌یابند (Seyed Bagheri, 2018: 63-64) بررسی‌ها نشان می‌دهد شرط لازم اعمال حاکمیت از سوی مردم در هر نظام مدعی مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی شهروندان است. در جوامع در حال توسعه یا در حال دموکراتیزه شدن نیز افزایش مشارکت سیاسی شهروندان یکی از سنجه‌های مهم گذار به سوی دموکراسی محسوب می‌شود (Seyed Emami, 2007: 59) و حضور فعال شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ایفای نقش مؤثر آنان در زندگی سیاسی و اجتماعی، از شاخص‌های اساسی جامعه مردم‌سالار است. زندگی در جامعه دموکراتیک، اقتضا می‌کند مردم به طور فعال در زندگی سیاسی ایفای نقش کنند (Predescu & Darjan, 2010: 3241). مشارکت سیاسی در نظام‌های مدعی دموکراسی از اهمیت زیادی برخوردار است (Ginieniewicz, 2007: 328) و برای هر جامعه دموکراتیک امری حیاتی است و دموکراسی تنها می‌تواند از طریق شهروندان درگیر و آگاه توسعه یابد. علاوه بر این، داشتن شهروندان آماده مسئولیت‌پذیری در تغییر واقعیت جهان امروزی امری مهم است (Manganelli et al, 2012: 1476).

به طور کلی مشارکت سیاسی به دو دلیل برای نظام‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اول مد نظر قرار دادن موضوع مشارکت سیاسی برای سنجش مشروعیت یک نظام سیاسی و دوم به منزله عاملی برای افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی (Athari and Shahriyari, 2014: 226) در یک تعریف ساده می‌توان مشارکت سیاسی را به عنوان یک عمل ارادی و آگاهانه در نظر گرفت که به طور مستقیم از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز به منظور گزینش رهبران جامعه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم و تأثیرگذاری برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره جامعه انجام می‌شود (Jafarinejad et al, 2009: 97). یکی از مسائلی که در نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت برخوردار است، میزان بالای مشارکت مردمی به منظور حمایت و تضمین بقای این نظام است. در این میان، نقش شهروندان و مشارکت آنان در سیاست، چه در مرحله پیروزی انقلاب و چه در مرحله تداوم آن، حایز اهمیت است (Algafor and Kashefalgata, 2009: 150). با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان چنین عنوان کرد که مشارکت سیاسی شهروندان در روند توسعه و پیشرفت کشورها نقش قابل توجهی دارد و مشروعیت و یا عدم مشروعیت یک نظام در گرو مشارکت سیاسی اعضای آن جامعه است. شهروندان شهر لامرد به عنوان یکی از شهرهای استان فارس، طی دهه‌های گذشته تاکنون، در سطوح مختلف انتخابات (محلی، منطقه‌ای و ملی) به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مشارکت سیاسی، میزان و درصد مشارکت بالایی داشته‌اند. با توجه به اینکه مشارکت سیاسی دارای ابعاد مختلفی می‌باشد و شرکت در انتخابات تنها یکی از ابعاد آن است، لذا تبیین وضعیت دیگر ابعاد مشارکت سیاسی در میان شهروندان از اهمیت بسزایی برخوردار است. لازم به ذکر است در میزان مشارکت سیاسی شهروندان عوامل متعددی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دخیل هستند که می‌توانند در افزایش و یا کاهش نرخ مشارکت سیاسی مؤثر باشند. با توجه به مطالب عنوان شده سوالات اساسی که محققان در پژوهش حاضر به دنبال تبیین آن‌ها می‌باشند عبارت‌اند از: وضعیت مشارکت سیاسی در میان شهروندان ساکن در شهر لامرد چگونه است؟ و مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های مشارکت سیاسی در میان شهروندان شهر لامرد کدامند؟

پیشینه نظری تحقیق:

یکی از انواع مهم مشارکت که بسیار مورد بحث و بررسی صاحب‌نظران قرار گرفته، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی و چگونگی دخالت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداره جامعه از جمله مباحثی است که در سرتاسر تاریخ اندیشه سیاسی از قرن‌ها قبل از میلاد مسیح تا به امروز به چشم می‌خورد و قدمتی دیرینه دارد و با وجود فراز و نشیب‌هایی که طی قرون و اعصار داشته است، امروزه از آن به عنوان امری اساسی و در ارتباط نزدیک با توسعه سیاسی ملت‌ها یاد می‌شود. این نوع مشارکت، از مصادیق مهم حقوق بشر و مشارکت فعال مردم در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درباره تعیین سرنوشت خود می‌باشد (Farahmand et al, 2017: 2). به دلیل اهمیت و برآیندهای اساسی مشارکت سیاسی، کمیت و کیفیت آن همواره مورد علاقه جامعه‌شناسان و اندیشمندان سیاسی بوده

است (Heydari et al, 2017: 142) و اصول ۲۰ و ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به حقوق مشارکت سیاسی، یعنی حقوق مربوط به اجتماع و تشکل‌های صلح آمیز، مشارکت در حاکمیت کشور، دسترسی برابر به خدمات عمومی، انتخاب‌های دوره‌ای و حق رأی همگانی اشاره دارند (Riker, 2014). از مشارکت سیاسی تعاریف متعددی ارائه شده است. در یک تعریف مشارکت سیاسی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت یا حمایت از نظام سیاسی اطلاق می‌شود (Tahmasebi et al, 2018: 396).

دمیتروکا^۱ پرداختن مستقیم و غیرمستقیم مردم اعم از گروه‌ها و اجتماعات و افراد در آماده‌سازی، انتخاب کردن، تأیید و تصویب نمودن اهداف و استراتژی‌های سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند (Demitroka, 2003: 1) از نظر دیوید آل پالتز^۲ و همکاران مشارکت سیاسی، کنشی است که بر توزیع ارزش‌ها و کالاهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به باور آن‌ها، برای بسیاری از مردم، مشارکت در سیاست از طریق رأی دادن، اصلی‌ترین شکل مشارکت سیاسی است. باین حال روش‌های فراوانی برای مشارکت در امور سیاسی وجود دارند که طیف گسترده‌ای از مهارت، زمان و منابع را دربر می‌گیرند. مردم می‌توانند در یک مبارزه انتخاباتی فعال شوند، با مقام‌های عمومی تماس بگیرند، شکوایه منتشر کنند، عضو یک سازمان سیاسی شوند، به یک نامزد یا یک برنامه انتخاباتی کمک مالی نمایند. همچنین ترتیب دادن تظاهرات، اعتراض یا حتی شورش نیز شکل دیگری از مشارکت (سیاسی) است (Paletz, Owen and Cook, 2012: 317). راش^۳ مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی تعریف کرده است. هانتینگتون و نلسون^۴ مشارکت سیاسی را کوشش‌های شهروندان غیر دولتی برای تأثیر بر سیاست‌های عمومی می‌دانند. میلبراث^۵ آن را رفتاری می‌داند که بر نتایج حکومتی اثر گذاشته و یا قصد تأثیرگذاری بر آن را دارد (Molayi, 2018: 145) از نظر آمارتیانسن، مشارکت چارچوب اساسی توسعه است و زندگی شخصی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب بهزیستی انسان می‌شود (Heydari et al, 2017: 142). رابرت دال در تبیین مشارکت سیاسی توجه ویژه‌ای به اثربخشی سیاسی دارد. به اعتقاد وی اگر میزان اثربخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد. در مقابل اگر میزان اثربخشی پائین باشد، نتیجه آن بی‌تفاوتی سیاسی خواهد بود. اثربخشی سیاسی نگرشی است که در اثر آن فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود بر فرآیندهای سیاسی اثر گذاشته و بر آنها کنترل و نظارت می‌کند و می‌تواند از این طریق به ارضای نیازهای خود بپردازد. رابرت دال درباره اثربخشی سیاسی اظهار می‌کند که افراد وقتی تصور کنند آنچه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی نخواهد گذاشت، کمتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند. لذا هر چه احساس اثربخشی سیاسی فردی کمتر باشد، مشارکت سیاسی او کمتر خواهد بود (Ebrahimi Keyapi et al, 2018: 7).

ابعاد و معرف‌های مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن:

از مهم‌ترین ابعاد و معرف‌های مشارکت سیاسی می‌توان به رأی دادن، عضویت در یک گروه یا حزب سیاسی، جستجوی اطلاعات سیاسی، بحث و تبلیغ، امضاء طومار عضویت در تشکل‌ها، انتقاد سیاسی (Zanjanizadeh, 2002: 94) تلاش برای موفقیت یک کاندیدا در انتخابات، مذاکره با نمایندگان، تبلیغ برای احزاب سیاسی، نوشتن مقالات و سخنرانی‌های سیاسی، شرکت در مبارزات سیاسی، رقابت در جهت انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی و عمومی کشور، مشارکت سیاسی منفعلانه، مشارکت سیاسی حمایتی، مشارکت سیاسی فعال، مشارکت سیاسی ابزاری، مشارکت سیاسی خودجوش، مشارکت سیاسی برانگیخته شده، مشارکت سیاسی واقعی و مشارکت سیاسی منفی. همچنین سطوح گوناگونی از مشارکت سیاسی وجود دارد: مشارکت سیاسی محدود، مشارکت سیاسی گسترده، مشارکت سیاسی فردی و مشارکت سیاسی جمعی (Abdolahinejad et al, 2017: 43-44) رأی دادن، کمترین شکل فعالیت مشارکت سیاسی و کمترین تعهد است، زیرا همین تعهد زمانی که رأی به صندوق انداخته شد چه بسا پایان یابد مشارکت سیاسی تابعی از تحولات مختلف سیاسی اداری، حقوقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. عواملی نظیر انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی، محیط سیاسی، مهارت‌ها، منابع و تعهد سبب تغییر در مشارکت می‌شوند. بر همین اساس، تمایزها و الگوهای رفتاری در قلمرو مشارکت تابعی است از پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات، شغل، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن صورت می‌گیرد (Kavyanirad, 2014: 40).

1 Dmitrovka

2 Paletz

3 Rush

4 Huntington & Nelson

5 Milbrath

به نظر رابرت دال، عوامل زیر بر مشارکت تأثیر مستقیم دارند که در صورت بروز و تحقق آن‌ها مشارکت محقق خواهد شد: (۱) افراد برای پاداش‌های حاصل از مشارکت ارزش بالایی قائل باشند. (۲) سازوکار مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با دیگر سازوکارها مؤثرتر بدانند. (۳) دربارهٔ دستیابی به نتایج، اطمینان لازم را داشته باشند. (۴) برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشند. (۵) در ذهن خود نوعی احساس آمادگی و برخورداری از دانش و اطلاعات و توانایی برای انجام دادن عمل را داشته باشند. (۶) در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت، خود را مواجه با مشکلات و موانع زیادی نبینند (Ahmadi and Rezayi, 2015: 241).

در ارتباط با موضوع مورد مطالعه متناسب با اهداف محققان و رشته‌های تخصصی‌شان، مطالعات مختلفی انجام شده است که در ادامه به نتایج چند مطالعه مهم اشاره می‌شود. نتایج پژوهش جعفری‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸) با هدف بررسی میزان مشارکت سیاسی زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه یک در شهرکرد نشان داد متغیرهای دین، آگاهی و مهارت سیاسی با مشارکت سیاسی افراد مورد مطالعه دارای همبستگی مثبت و متغیر مدرک تحصیلی با متغیر وابسته پژوهش دارای همبستگی منفی بوده است. نتایج پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با هدف بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران نشان داد متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، انعطاف مذهبی، درجه مذهبی بودن، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی، اعتماد سیاسی، دوستان سیاسی، سرنوشت‌گرایی، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی، بیگانگی سیاسی، پخش مسئولیت، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، دوری‌گزینی سیاسی، استفاده از رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای شعارهای کاندیداها، داشتن فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی، اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی، رابطه و همبستگی معناداری با مشارکت سیاسی دارد. یافته‌های پژوهش جعفری‌نیا (۱۳۹۱) با هدف بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج نشان داد تمایل به مشارکت سیاسی در میان مردان بیشتر از زنان بوده است و با افزایش تحصیلات میزان تمایل به مشارکت سیاسی افزایش یافته است و طبقات اجتماعی بالا نسبت به طبقات اجتماعی پایین، تمایل بیشتری نسبت به مشارکت سیاسی داشته‌اند. همچنین نتایج نشان داد میان سن، محل سکونت و وضعیت تأهل با میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه آماری معناداری وجود ندارد.

جهانگیری و محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی به مقایسه میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان شهرستان نورآباد ممسنی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان در سطح متوسطی بوده است و متغیرهای سیاسی بودن خانواده، استفاده از رسانه‌های گروهی، اعتماد اجتماعی، جنسیت (مرد بودن)، تعهد مذهبی و تمایلات سیاسی دوستان از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی افراد مورد مطالعه هستند. اطهری و شهریاری (۱۳۹۳) در پژوهشی اقدام به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهر بوشهر نموده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد متغیرهای آگاهی سیاسی، مذهبی بودن، تحصیلات، احساس بی‌قدرتی سیاسی (ارتباط منفی)، طبقه اجتماعی، احساس اثربخشی سیاسی و عضویت در انجمن‌ها دارای ارتباط معناداری با مشارکت سیاسی زنان هستند. نتایج پژوهش رضایی و کاظمی‌پور ثابت (۱۳۹۵) با هدف بررسی رابطه میان استفاده از محتوای سیاسی وبسایت‌های داخلی و خارجی و مشارکت سیاسی انتخاباتی در میان شهروندان همدان نشان داد میزان مشارکت شهروندان در سطح متوسط بوده و میان استفاده از محتوای سیاسی وبسایت‌های فارسی زبان خارجی با میزان مشارکت سیاسی انتخاباتی رابطه آماری منفی وجود دارد. نتایج پژوهش حبیب‌پور گنابی و موسوی خورشیدی (۱۳۹۵) با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم نشان داد بین همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی و مشارکت اجتماعی غیررسمی) و مشارکت سیاسی شهروندان قم رابطه مثبت وجود دارد. فرهمند و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد میانگین مشارکت سیاسی کمتر از حد متوسط بوده و میزان مشارکت عینی بیشتر از مشارکت ذهنی است. نتایج همچنین موید آن است که متغیر سن با میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری دارد و با افزایش سن، مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد و مشارکت مردان بیشتر از زنان است و بین متغیرهای فرهنگ مشارکتی خانواده، فرهنگ سیاسی و انگیزه سیاسی با میزان مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

عبداللهی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی ارتباط رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در انتخابات در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. محققان در این پژوهش برای سنجش وضعیت مشارکت سیاسی از متغیرهای متعددی (ملزم کردن خود به رأی دادن برای تعیین سرنوشت سیاسی، تبلیغ در انتخابات به نفع کاندیدای موردنظر، مقید کردن خود به شرکت در تمامی

انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، مشارکت در بحث‌های پیرامون انتخابات، شرکت در تجمعات و اعتراضات انتخاباتی، تلاش برای کمک (مالی، غیرمالی) به تشکل‌های سیاسی گوناگون، تلاش برای عضویت در اداره‌کنندگان ستادهای انتخاباتی، مشارکت فعال در بحث‌های سیاسی دوستانه درباره انتخابات، ملزم کردن خود به شرکت در انتخابات و رأی دادن از روی وظیفه و تکلیف شرعی و در صورت مهیا شدن شرایط تمایل داشتن به ورود به عرصه مبارزه سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان به عنوان یک کاندیدا) استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد سطح مشارکت سیاسی افراد مورد مطالعه بیشتر از حد متوسط بوده و میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و اعتماد به رسانه‌های جمعی با مشارکت سیاسی همبستگی مثبت و میان مقطع تحصیلی و سن با مشارکت سیاسی همبستگی منفی وجود دارد. نتایج پژوهش مولایی (۱۳۹۷) با هدف بررسی نقش دانش و اعتماد سیاسی در پیش‌بینی علاقه‌مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی در دانشگاه محقق اردبیلی نشان داد بین متغیرهای میزان دانش و اعتماد سیاسی با میزان علاقه‌مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج مطالعات دیگری نشان‌دهنده ارتباط میان مشارکت سیاسی و متغیرهای رفاه اجتماعی (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴)، استفاده از شبکه‌های اجتماعی (عدلی‌پور همکاران، ۱۳۹۳)، کیفیت زندگی (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۴ و شاپیرو و وینترس، ۲۰۰۸)، رضایت از زندگی (فلاوین و کین، ۲۰۱۲) و احساس اثربخشی سیاسی، کسب منفعت و عزت اجتماعی (ابراهیمی کیایی و همکاران، ۱۳۹۷) است. در یک جمع‌بندی کلی از مبانی نظری و سوابق پژوهش می‌توان چنین عنوان کرد که مشارکت سیاسی یکی از مه‌ترین مولفه‌های توسعه دموکراسی در جامعه امروزی و دارای ابعاد مختلفی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در مناطق مختلف سطح مشارکت سیاسی با یکدیگر متفاوت هستند و عوامل مختلفی بر میزان مشارکت سیاسی اثرگذار هستند که شدت و جهت اثرگذاری این عوامل متناسب با دیدگاه شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی متفاوت است. لذا هر منطقه جغرافیایی از جمله شهر لامرد با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی حاکم بر آن، دارای وضعیت مشارکت سیاسی متفاوتی با دیگر فضاهای سکونتی است که در این مهم عوامل متعددی می‌توانند اثرگذار باشند و با توجه به اهمیت مبحث مشارکت سیاسی در روند توسعه جوامع امروزی، لازم است این عوامل شناسایی شوند.

روش تحقیق:

این پژوهش از نظر تقسیمات انجام گرفته در مبحث روش‌شناختی، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر شیوه انجام پژوهش توصیفی - تحلیل و علی می‌باشد که برای گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شهر لامرد از توابع استان فارس است و جامعه آماری پژوهش را همه افراد بالای ۱۸ سال سن تشکیل می‌دهد که بر اساس آخرین آمار مستند، تعداد آن‌ها ۱۹۵۹۵ نفر بوده است. با توجه به محدودیت‌های سرشماری، از میان جامعه آماری با استفاده از روش‌های مرسوم برآورد حجم نمونه (فرمول کوکران) ۳۷۸ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد. ابزار اصلی پژوهش برای گردآوری داده‌های میدانی، پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن با مراجعه به کارشناسان و اساتید دانشگاهی تأیید شده است. برای بررسی پایایی پرسشنامه از پیش آزمون با تعداد ۳۰ پرسشنامه استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ حاصل شده برای بخش‌های مختلف پرسشنامه (جدول ۱) نشان‌دهنده پایا بودن ابزار مورد استفاده بود. لازم به ذکر است پرسشنامه از سه بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول به متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، میزان تحصیلات، درآمد و ... اختصاص دارد. بخش دوم پرسشنامه به متغیرهای مشارکت سیاسی اختصاص یافته است و بخش سوم به عوامل موثر بر مشارکت سیاسی اختصاص یافته است. بخش دوم و سوم پرسشنامه به صورت سؤال-های بسته و در طیف پنج قسمتی لیکرت (۱= بسیار کم؛ ۲= کم؛ ۳= متوسط؛ ۴= زیاد؛ ۵= بسیار زیاد) طراحی شده است و در نهایت پرسشنامه‌ها به صورت کاملاً تصادفی در میان شهروندان توزیع و تکمیل شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از آمارهای توصیفی و استنباطی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

جدول ۱- شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای آن‌ها

شاخص	متغیر	آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	رأی دادن، عضویت در یک گروه یا حزب سیاسی، جستجوی اطلاعات سیاسی، بحث و تبلیغ سیاسی، امضاء طومار عضویت در تشکل‌ها، انتقاد سیاسی، تلاش برای موفقیت یک کاندیدا در انتخابات، مذاکره با نمایندگان، نوشتن مقالات سیاسی و شرکت در سخنرانی‌های سیاسی (۱۰ متغیر)	۰/۸۳۷
	متغیرهای جمعیت‌شناختی (۶ متغیر)	۰/۸۹۴
عوامل موثر بر مشارکت سیاسی	آگاهی سیاسی (۶ متغیر)	۰/۷۶۱
	درجه مذهبی بودن (۴ متغیر)	۰/۸۴۳
	سرمایه اجتماعی (۸ متغیر)	۰/۷۳۸
	استفاده از رسانه‌های داخلی (۵ متغیر)	۰/۸۷۱
	استفاده از رسانه‌های خارجی (۵ متغیر)	۰/۸۱۶
	رضایت از عملکرد دولت (۶ متغیر)	۰/۸۲۴
	احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی (۵ متغیر)	۰/۷۶۵
	استفاده از شبکه‌های اجتماعی (۴ متغیر)	۰/۸۴۹
	کیفیت زندگی (۸ متغیر)	۰/۷۳۷

شهر لامرد به عنوان مرکز شهرستان لامرد در کنار شهرهای اشکنان، اهل و علامرودشت چهار نقطه شهری شهرستان هستند. بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر لامرد ۲۹۳۸۰ نفر است که از این تعداد ۱۴۶۳۵ نفر مرد و ۱۴۷۴۵ نفر زن هستند. با توجه به تعداد خانوارهای ساکن در شهر لامرد (۸۵۲۹ خانوار) بعد خانوار در این شهر ۳/۴۴ است و از جمعیت کل این شهر، ۱۹۵۹۵ نفر دارای سن بیشتر از ۱۸ سال هستند و به نوعی واجد شرکت در انتخابات به عنوان یکی از ابعاد مشارکت سیاسی هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

یافته‌های تحقیق:

بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی: در ارتباط با وضعیت سنی پاسخگویان نتایج پژوهش نشان داد میانگین سنی ۳۵/۶ سال بوده و سن جوانترین و مسن‌ترین پاسخگو به ترتیب ۱۸ سال و ۷۱ سال بوده است. در ارتباط با جنسیت افراد مورد مطالعه یافته‌ها نشان داد ۵۲ درصد پاسخگویان مرد و ۴۸ درصد زن بوده‌اند و ۸۱ درصد متأهل و ۱۹ درصد مجرد بوده‌اند. در ارتباط با وضعیت تحصیلی پاسخگویان نتایج پژوهش نشان داد ۱۵ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۵ درصد دیپلم، ۱۴ درصد کاردانی، ۲۷ درصد کارشناسی و ۱۹ درصد دارای تحصیلات بیشتر از کارشناسی بوده‌اند. در ارتباط با وضعیت شغلی پاسخگویان نتایج پژوهش نشان داد ۸ درصد پاسخگویان بیکار، ۳۸ درصد دارای مشاغل دولتی، ۸ درصد خانه‌دار، ۱۲ درصد در حال تحصیل و ۳۴ درصد در مشاغل آزاد مشغول به فعالیت هستند. در ارتباط با وضعیت درآمد ماهیانه خانوار افراد مورد بررسی، نتایج نشان داد میانگین درآمد ماهیانه حدود ۱ میلیون و سیصد هزار تومان بوده که در این کمینه و بیشینه درآمد به ترتیب ۸۰۰ هزار تومان و ۶ میلیون تومان بوده است.

وضعیت شاخص‌های مشارکت سیاسی در میان شهروندان:

برای بررسی و ارزیابی وضعیت شاخص‌های ده‌گانه مشارکت سیاسی در میان شهروندان شهر از آزمون تی تک نمونه‌ای (با در نظر گرفتن عدد ۳ به عنوان مبنای آزمون) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد (جدول ۲) در میان شاخص‌های مورد بررسی میانگین پنج شاخص رأی دادن، جستجوی اطلاعات سیاسی، بحث و تبلیغ سیاسی، انتقاد سیاسی و تلاش برای موفقیت یک کاندیدا در انتخابات به صورت معناداری بیشتر از عدد مبنا بوده و بالاتر از سطح متوسط می‌باشد و میانگین پنج شاخص عضویت در یک گروه یا حزب سیاسی، امضاء طومار عضویت در تشکل‌ها، مذاکره با نمایندگان، نوشتن مقالات سیاسی و شرکت در سخنرانی‌های سیاسی، به صورت معناداری کمتر از عدد مبنا بوده و پایین‌تر از سطح متوسط می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد در میان شاخص‌های مذکور بیشترین و کمترین مشارکت سیاسی شهروندان در دو متغیر رأی دادن و نوشتن مقالات سیاسی به ترتیب با میانگین ۴/۲۶ و ۲/۳۲ بوده است. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد نیمی از شاخص‌های مورد بررسی دارای میانگین کمتر از حد مبنا و نیمی دیگر دارای میانگین بیشتر از حد مبنا بوده‌اند و باید قضاوت کلی در مورد میزان مشارکت سیاسی شهروندان محدوده مطالعاتی را به ارزیابی کلی مشارکت سیاسی واگذار نمود.

جدول ۲- نتایج حاصل از آزمون t تک‌نمونه‌ای جهت ارزیابی شاخص‌های مشارکت سیاسی در میان شهروندان

Test Value = 3							متغیر
اختلاف با فاصله ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین						
۱/۳۵	۱/۱۸	۱/۲۶۲	۴/۲۶	۰/۰۰۰	۳۷۷	۲۹/۰۴۱	رأی دادن
-۰/۰۴	-۰/۲۵	-۰/۱۴۳	۲/۸۶	۰/۰۰۹	۳۷۷	-۲/۶۴۳	عضویت در یک گروه یا حزب سیاسی
۱/۱۰	۰/۹۳	۱/۰۱۳	۴/۰۱	۰/۰۰۰	۳۷۷	۲۴/۰۵۰	جستجوی اطلاعات سیاسی
۰/۶۰	۰/۳۷	۰/۴۸۱	۳/۴۸	۰/۰۰۰	۳۷۷	۸/۳۲۸	بحث و تبلیغ سیاسی
-۰/۳۴	-۰/۶۱	-۰/۴۷۹	۲/۵۲	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۷/۰۳۴	امضاء طومار عضویت در تشکل‌ها
۰/۶۷	۰/۴۰	۰/۵۳۴	۳/۵۳	۰/۰۰۰	۳۷۷	۸/۰۲۴	انتقاد سیاسی
۰/۳۶	۰/۰۷	۰/۲۲۰	۳/۲۲	۰/۰۰۳	۳۷۷	۲/۹۷۰	تلاش برای موفقیت یک کاندیدا در انتخابات
-۰/۴۷	-۰/۷۴	-۰/۶۰۶	۲/۳۹	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۹/۰۳۸	مذاکره با نمایندگان
-۰/۵۵	-۰/۸۰	-۰/۶۷۷	۲/۳۲	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۱۰/۷۹۸	نوشتن مقالات سیاسی
-۰/۱۸	-۰/۴۱	-۰/۲۹۴	۲/۷۱	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۵/۱۷۸	شرکت در سخنرانی‌های سیاسی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

وضعیت کلی مشارکت سیاسی در میان شهروندان:

برای بررسی وضعیت کلی مشارکت سیاسی در میان شهروندان ساکن در شهر لامرد، شاخص‌های ده‌گانه با هم ترکیب شدند و با استفاده از جدول توزیع فراوانی و آزمون مقایسه میانگین (تی تک نمونه‌ای) وضعیت مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج جدول توزیع فراوانی نشان می‌دهد (جدول ۳) میزان مشارکت سیاسی ۱۱/۹ درصد شهروندان در سطح کم و بسیار کم، ۲۸ درصد در سطح متوسط و ۵۴/۳ درصد در سطوح زیاد و بسیار زیاد بوده است. همچنین نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد (جدول ۴) میانگین محاسبه شده با مقدار ۳/۱۳۱، در سطح ۹۹ درصد اطمینان، بیشتر از عدد مبنا می‌باشد. در مجموع می‌توان چنین عنوان کرد که میزان مشارکت سیاسی شهروندان در محدوده مورد مطالعه بیشتر از حد متوسط بوده و در سطح قابل قبولی قرار دارد.

جدول ۳- جدول توزیع فراوانی وضعیت کلی مشارکت سیاسی در میان شهروندان

-	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
بسیار کم	۲۲	۵/۸	۵/۸
کم	۴۵	۱۱/۹	۱۷/۷
متوسط	۱۰۶	۲۸	۴۵/۸
زیاد	۱۳۱	۳۴/۷	۸۰/۴
بسیار زیاد	۷۴	۱۹/۶	۱۰۰
مجموع	۳۷۸	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون t تک‌نمونه‌ای جهت ارزیابی مشارکت سیاسی در میان شهروندان

Test Value = 3						شاخص	
اختلاف با فاصله ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی		t
حد بالا	حد پایین						
۰/۱۸۷	۰/۰۷۵	۰/۱۳۱	۳/۱۳۱	۰/۰۰۰	۳۷۷	۴/۶۱۵	مشارکت سیاسی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

ارتباط متغیرهای مستقل پژوهش با مشارکت سیاسی شهروندان:

در ادامه ارتباط میان متغیرهای مستقل پژوهش و مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته پژوهش بررسی شده است. لازم به ذکر است در میان متغیرهای مستقل پژوهش، شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی از ترکیب سه متغیر شغل، درآمد و سطح تحصیلات تشکیل شده

است و همبستگی میان متغیرهای با توجه به ماهیت آن‌ها انجام گرفته است و از دو ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد در میان متغیرهای مورد بررسی ارتباط میان ارتباط متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی، آگاهی سیاسی، سرمایه اجتماعی، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، رضایت از عملکرد دولت، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی با مشارکت سیاسی معنادار بوده است و میان متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل و درجه مذهبی بودن با مشارکت سیاسی ارتباط معناداری وجود ندارد. لازم به ذکر است در میان متغیرهایی که با مشارکت سیاسی شهروندان ارتباط معناداری داشته‌اند، تنها همبستگی میان متغیر استفاده از رسانه‌های خارجی با مشارکت سیاسی از نوع منفی بوده است و بقیه متغیرها دارای همبستگی مثبتی با مشارکت سیاسی هستند. به این مفهوم که با افزایش استفاده شهروندان از رسانه‌های خارجی، میزان مشارکت سیاسی آن‌ها کاهش می‌یابد و بالعکس. لازم به ذکر است بیشترین میزان همبستگی مشارکت سیاسی با دو متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی و احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی بوده است که مقادیر آن‌ها به ترتیب ۰/۵۷۶ و ۰/۵۱۳ بوده و نشان‌دهنده ارتباط قابل توجه میان این دو متغیر با مشارکت سیاسی شهروندان است.

جدول ۵- بررسی همبستگی بین متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی شهروندان

مؤلفه‌ها	ضریب همبستگی اسپیرمن	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
سن	-۰/۰۶۳	-	۰/۲۱۹
تأهل	۰/۰۴۵	-	۰/۳۸۵
جنس	-۰/۰۶۸	-	۰/۱۹۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	-	۰/۵۷۶	۰/۰۰۰
آگاهی سیاسی	-	۰/۱۲۵	۰/۰۰۹
درجه مذهبی بودن	-	۰/۱۱۳	۰/۱۶۹
سرمایه اجتماعی	-	۰/۳۴۰	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌های داخلی	-	۰/۴۶۳	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌های خارجی	-	-۰/۳۴۲	۰/۰۰۳
رضایت از عملکرد دولت	-	۰/۳۵۷	۰/۰۰۰
احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی	-	۰/۵۱۳	۰/۰۰۰
شبکه‌های اجتماعی	-	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰
کیفیت زندگی	-	۰/۴۱۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

نتیجه‌گیری:

مشارکت سیاسی شهروندان در امور مختلف سیاسی از یکی از مهم‌ترین ابعاد مشارکت شهروندان در امور توسعه شهری است که به طرق مختلفی محقق می‌گردد و نقش غیرقابل انکاری را در وضعیت موجود و آینده توسعه شهری ایفا می‌نماید. مشارکت سیاسی شهروندان معلول عوامل مختلفی است که متناسب با فضاهای شهری شدت و نوع این عوامل با یکدیگر متفاوت بوده و نیازمند شناسایی عوامل مؤثر بر آن در هر فضای سکونتی است. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت مشارکت سیاسی و شاخص‌های آن و همچنین شناسایی عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان ساکن در شهر لامرد انجام گرفته است. نتایج نشان داد در میان شاخص‌های ده‌گانه مشارکت سیاسی میانگین پنج شاخص رأی دادن، جستجوی اطلاعات سیاسی، بحث و تبلیغ سیاسی، انتقاد سیاسی و تلاش برای موفقیت یک کاندیدا در انتخابات بالاتر از سطح متوسط بوده است و بر خلاف این شاخص‌ها میانگین پنج شاخص عضویت در یک گروه یا حزب سیاسی، امضاء طومار عضویت در تشکل‌ها، مذاکره با نمایندگان، نوشتن مقالات سیاسی و شرکت در سخنرانی‌های سیاسی پایین‌تر از سطح متوسط بوده است و کمترین و بیشترین میزان مشارکت سیاسی در دو بعد نوشتن مقالات سیاسی و رأی دادن بوده است. نتایج بررسی وضعیت کلی مشارکت شهروندان در محدوده مطالعاتی نشان داد به صورت کلی میزان مشارکت سیاسی شهروندان در بیشتر از حد متوسط بوده و در سطح قابل قبولی قرار دارد. نتیجه حاصل شده با یافته‌های پژوهش عبداللهی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در خصوص مشارکت سیاسی در انتخابات در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی همسو می‌باشد و با نتایج پژوهش‌های جهانگیری و محمدی (۱۳۹۳) در خصوص مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان شهرستان نورآباد ممسنی، رضایی و کاظمی‌پور ثابت (۱۳۹۵) در رابطه با مشارکت سیاسی انتخاباتی در

میان شهروندان همدان و فرهمند و همکاران (۱۳۹۵) در مورد مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد، که نشانگر مشارکت سیاسی متوسط و پایین شهروندان هستند، مطابقت ندارد.

نتایج پژوهش در خصوص ارتباط میان مشارکت سیاسی و متغیرهای مستقل پژوهش نشان داد متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی، آگاهی سیاسی، سرمایه اجتماعی، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، رضایت از عملکرد دولت، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی با مشارکت سیاسی دارای رابطه آماری معنادار هستند. نتیجه حاصل شده با یافته‌های پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۸۸)، جعفری‌نیا (۱۳۹۱)، جهانگیری و محمدی (۱۳۹۳)، اطهری و شهریار (۱۳۹۳)، حبیب‌پور گنابی و موسوی خورشیدی (۱۳۹۵)، عبداللهی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵)، احمدی و رضایی، (۱۳۹۴)، محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۴)، شاپیرو و وینترس (۲۰۰۸)، فلاوین و کین (۲۰۱۲) و ابراهیمی کیایی و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد میان متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل و درجه مذهبی بودن با مشارکت سیاسی ارتباط معناداری وجود ندارد که با مطالعه جعفری‌نیا (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل شده با توجه به اینکه میزان ارتباط متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی شهروندان با هم متفاوت هستند باید در راستای توسعه مشارکت سیاسی در شهر لامرد توجه به تقویت متغیرهای زیر که به ترتیب اهمیت ذکر شده‌اند، معطوف شود: پایگاه اقتصادی اجتماعی، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، استفاده از رسانه‌های داخلی، کیفیت زندگی، رضایت از عملکرد دولت، استفاده از رسانه‌های خارجی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی.

دقت در ماهیت عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان نشانگر این مهم است که با بهبود وضعیت اقتصادی شهروندان به ویژه در خصوص اشتغال‌زایی و کسب درآمد مناسب که به نوعی ارتقای سطح پایگاه اجتماعی و اقتصادی را به همراه دارد، می‌توان توقع داشت سطح مشارکت سیاسی در محدوده مورد مطالعه ارتقا خواهد یافت. همچنین استفاده و بکارگیری از نظرات و دیدگاه‌های شهروندان در خصوص پست‌های سیاسی و اداری شهر لامرد در افزایش سطح مشارکت سیاسی مؤثر خواهد بود. با توجه به ارتباط منفی استفاده از رسانه‌های خارجی با مشارکت سیاسی شهروندان پیشنهاد می‌شود با متنوع‌سازی کمی و کیفی هرچه بیشتر رسانه‌های داخلی و همچنین ارتقای سطح مدیریت شبکه‌های اجتماعی، زمینه و بستر لازم برای گرایش هرچه بیشتر شهروندان به استفاده از رسانه‌های داخلی فراهم گردد.

References:

1. Ebrahimi Kiyapi, Hadi; Ebrahimi, Ghorbanali and Babazadeh Baie, Ali (2017), *Political Participation and its Social Factors (A Comparative Study of Students and Citizens)*, *Islamic Revolution Approach*, Vol 12, No 45, pp: 20-3.
2. Ahmadi, Ahmad, and Rezaei, Hasibeh (2015), *The Relationship between Social Welfare and Teachers' Political Participation (Case Study: Teachers of Marivan)*, *Welfare Planning and Social Development Quarterly*, No. 24, pp. 267-231.
3. Atahari, Hassan and Shahriari, Abolghasem (2014), *Investigating Factors Affecting Women's Political Participation Case: Boshehr Women, Development & Politics*, V.12, N.2, pp: 286-265.
4. Alghafour, Seyyed Mohammad Taqi and Kashfalghata, Fatemeh (2009), *The Impact of Socio-Economic Conditions on Women's Political Participation in Iran*, *Shia Women Quarterly*, Volume 6, Number 6, pp: 185-149.
5. Jafarinia, Gholamreza (2012), *Investigation of socio-economic factors affecting the political participation of citizens of Khormoj*, *Journal of Political Science*, V 7, Number 2, pp: 122-87.
6. Ja'farinejad, Masoud J Kalantari, Samad and Nourmohammadian, Mojgan (2009), *Investigation of the Political Participation of Women Working in the Education of a City of Shahrekord*, *Applied Sociology*, Volume 20, Number 33, pp: 104-83.
7. Jahangiri, Jahangir and Mohammadi, Farzaneh (2014), *Comparison of Youth and Middle Ages Political Participation in Mamasani and Social Factors Affecting it*, *Journal of Social Sciences*, *Ferdowsi University of Mashhad*, Volume 11, Number 1, pp. 26-1.
8. Habibpour Gottabi, Karam and Mousavi Khorshidi, Seyyed Hamid Reza (2016), *The Relationship between Social Capital and Political Participation of Citizens of Qom*, *Social Welfare Quarterly*, Volume 16, Number 62, pp: 392-359.
9. Heidari, Arman-Mohammadi, Esfandiar & Bagheri, Shahla (1396), *Investigating the Relationship between Institutional Trust and Types of Political Participation (Case Study of Citizens Over 18 Years of Residence in Shiraz)*, *Journal of Social and Cultural Strategy*, Volume 6, Number 23, p. : 172-141.

10. Rezaei, Hossein and Kazemipour Sabet, Shahla (2016), *Investigating the Relationship between the Use of Political Content in Domestic and Foreign Websites and Electoral Political Participation (Case Study of Hamadan Citizens)*, *Strategic Quarterly*, V 25, N 80, Pp: 286 - 255 .
11. Zanjanizadeh, Homa (2002), *Women's Political Participation and its Social Factors, New Challenges*, *Journal of Social Sciences*, Volume 9, Number 19, pp: 106-89.
12. Sidamami, Kavous (2007), *Student Political Participation: An Evaluation of Some Predictors of Political Participation*, *Journal of Political Science*, Volume 2, Number 1, pp: 77-59.
13. Sayyid Bagheri, Seyyed Kazem (1979), *The Right to Citizen Participation and Political Freedom with Emphasis on the Holy Quran*, *Islamic Policy Studies*, Vol. 6, No. 14, pp. 65-41.
14. Tahmasebi, Shahram; Javahripour, Mehrdad and Mohseni, Reza Ali (1979), *Designing Patterns of Political Participation (Case Study: Iran in the Islamic Republic)*, *Journal of Geography (Regional Planning)*, Volume 8, Number 4, pp: 409-395 .
15. Abdollahinejad, Alireza ; Ghasminedjad, Abuzar and Sadeghi, Javad (2016), *Social Media and Political Participation in Elections Relationship Using Facebook, Telegram and Instagram and Students' Political Participation in the Seventh March Elections*, *New Media Studies Quarterly*, Year 2, Issue 5, pp: 33-73.
16. Adlipour, Samad; Ghasemi, Vahid; Ghasabi, Rezvan and Taheri, Naghi (2014), *The Impact of Using Facebook Social Network on Youth Political Trust and Participation*, *Studies in Culture and Communication*, Volume 15, Number 28, Pages: 212-191 .
17. Farahmand, Mahnaz; Vakili Qasemabad, Somayeh and Pourjimian, Elaheh (2016), *A Study of Youth Political Participation in Yazd and its Affecting Factors*, *Strategic Studies in Sport and Youth*, Volume 15, Number 33, pp: 37-1.
18. Kavianirad, Morad (2014), *Spatial Distribution of Participation in the Eleventh Presidential Election*, *Strategic Studies Quarterly*, Volume 17, Number 69, pp: 61-37.
19. Mohammadifar, Nejat; Masoudnia, Hussein; Shahramnia, Amir Massoud and Hatami, Abbas (2015), *Analysis of the Role of Quality of Life on the Type and Level of Political Participation (Case Study: Isfahan City)*, *Social Development Quarterly (Former Human Development)*, Volume 10, Number 2, pp: 156-127.
20. Mawlai, Mohammad Reza (1979), *The Role of Knowledge and Political Trust in Predicting Students' Interest in Political Participation*, *Political Science Quarterly*, V.14, N.27. 163-141.
21. Hashemi, Seyyed Zia-Fouladian, Majid and Fatemi Amin, Zeinab (2009), *Investigation of Social and Psychological Factors Affecting Political Participation of People in Tehran*, *Journal of Political Science*, Volume 5, Number 1, pp: 227-199.
22. Dmitrovka, B. (2003). *Development of Forms and Methods of the Political Participation and Social Self-Organization of the Population of Russia*, Institute for Comparative Social Research, Moscow, <http://www.cessi.ru/index.php?id=1&L=1>.
23. Flavin, P & Keane, M.J (2012). "Life Satisfaction and Political Participation: Evidence from the United States", *Journal of Happiness Studies*, 13(1), 63-78.
24. Ginieniewicz, J. (2007). "The Scope of Political Participation". *Journal of International Migration and Integration*, Vol 8, No. 3, pp 327-345.
25. Manganelli, S. Alivernini, F. Lucidi, & Di Leo, I. (2012). "Expected political participation in Italy: a study based on Italian ICCS data", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46.
26. Paletz, David L., Diana Owen and Timothy E. Cook. (2012). *21st Century American Government and Politics*, US: Creative Commons.
27. Predescua Mihai., & Darjanb Ioana. (2010). *Promoting political participation through adult education*, *Procedia Social and Behavioral Sciences*,.2:3241-3245.
28. Riker, W. J. (2014). "Human Rights Without Political Participation", *Human Rights Review*, 15: 369- 390.
29. Shapiro, R. & Winters, M. S. (2008). *Political Participation and Quality of Life*, Inter-American Development Bank, Banco Interamericano de Desarrollo (BID), Research Department, Departamento de Investigación, Working Paper 638.

Research Paper

Evaluating Political Participation and Identifying Its Determinants in Urban Communities (Case Study: Lamerd City, Fars Province)

¹
Mohamad reza Ghaedi : Assistant Professor in Political, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Received: 2019/7/11

PP:117- 118

Accepted: 2019/9/24

Abstract

The inclusive political participation of citizens in various matters is one of the symbols of the existence of democracy and the legitimacy of the sovereignty of a country that it has multiple dimensions. Participation in elections is one of the most important aspects of political participation that is enhanced by improving the status of other aspects of political participation and identifying and strengthening the factors that influence it. The purpose of this quantitative and applied research which has been done by descriptive_analytical and correlation method, is to evaluate the political participation and its indicators as well as identify its determinants among the citizens of Lamerd city in Fars province. All citizens 18 years old and over who are eligible to vote, constitute the statistical population of the survey which according to the results of the last census were 19595 persons. The main instrument of research for data collection was a researcher made questionnaire whose validity and reliability were confirmed. Due to the limitations of the census, using the Cochran formula, 378 individuals were considered as statistical sample and the questionnaires were distributed among the citizens completely randomly. The results show that the highest and the lowest political participation of citizens in the two variables of voting and writing political articles were 4.26 and 2.32, respectively. The results of the survey of the general situation of political participation of citizens show that the calculated average is 3.131 above the average. Also the results of correlation analysis between dependent and independent variables of research showed that there is a statistically significant positive relationship between political participation and socioeconomic variables, sense of political efficiency and effectiveness, use of internal media, quality of life, satisfaction with government performance, social capital, use of social networks and political awareness. And there is a significant negative relationship between the use of foreign media and the level of political participation. The results also showed that there is no significant relationship between the variables of age, sex, marital status and degree of religious affiliation with political participation.

Keywords: Sustainable Urban Development, Citizen Participation, Political Participation, Elections, Lamerd.

Extended Abstract

Introduction:

The formation of civil society as a specific social phenomenon is subject to a set of specific objective and mental conditions that are created themselves by long-term social transformations at a specific stage in the history of society. therefore, civil society cannot be achieved at will, at any time and in any social context, and should to consider, obtain the right to choose, the right to be elected and the right to hold public office as essential rights for participation in the political life of society in order to achieve civil society. citizens of Lamerd as one of the cities of Fars province, during the past decades, have had a high rate and percentage of participation in various levels of elections (local, regional and national) as one of the most important components of political participation. Since political participation is of various dimensions and participation in elections is only one of its dimensions, it is important to explanation the other aspects of political participation among citizens. It should be noted

¹
. Corresponding Author's: Email: ghaedi@iaushiraz.ac.ir, Tel: +989129578456

that there are numerous political, social, economic, and cultural factors that can contribute to increasing or decreasing the rate of political participation. according to the above mentioned content, the main questions that the researchers in this study seek explanation are: how is the status of political participation among citizens living in Lamerd? what are the most important determinants of political participation among the citizens of Lamerd?

Methodology:

This research is applied in terms of methodological divisions, of purpose and in terms of descriptive-analytical and causal research method and is used for gathering information and data required by both documentary and field methods. and the statistical population of the study consists of all people over 18 years old, according to the latest documented statistics, 19595 people. to consider the limitations of the census, 378 individuals were considered as the statistical population using the conventional methods of estimating sample size (Cochran formula). descriptive and inferential statistics were used for data analysis by SPSS software.

Findings:

Investigating the Status of Indicators of Political Participation among Citizens
The results show that among the mentioned indicators, the highest and the lowest political participation of citizens in the two variables of voting and writing political articles were 4.26 and 2.32, respectively. Overall, the results show that half of the indices surveyed were below average and the other half were above average, and overall judgment on the degree of political participation of citizens in the study area should be left to the overall assessment of political participation.

The results of the frequency distribution table show (Table 3) that the political participation rate was 11.9% of the citizens at low and very low levels, 28% at moderate level and 54.3% at high and very high levels. Also, the results of the single sample t-test show (Table 4) that the calculated mean with 3.131, at 99% confidence level, is more than the base number. Overall, it can be stated that the level of political participation of citizens in the study area is above average and is at an acceptable level.

Investigating the relationship between independent research variables and citizens' political participation. the results show that among the variables studied are the relationship between variables of socioeconomic status, political awareness, social capital, use of internal media, foreign media, satisfaction with government performance, sense of political efficacy and effectiveness, use of social networks, and quality of life with political participation was significant relationship and there was no significant relationship between the variables of age, gender, married status and degree of religious affiliation with political participation. It should be noted that among the variables that had a significant relationship with the political participation of the citizens, the only correlation between the variable of use of foreign media with the political participation was negative and the other variables had a positive correlation with the political participation. That is to say, as citizens' use of foreign media increases, their political participation decreases, and vice versa. It should be noted that the highest correlation of political participation with the two variables of social economic base and the feeling of political efficiency and effectiveness were 0.557 and 0.513, respectively, indicating a significant correlation between these two variables with citizens' political participation.

Conclusion:

the results of the study of the overall status of citizen participation in the study area showed that overall the level of political participation of citizens is above average and is at an acceptable level. The results are consistent with the findings of Hashemi et al. (2009), Jafarinia (2012), Jahangiri and Mohammadi (2014), Athari and Shahriari (2014), Habibpour Gottabi and Mousavi Khorshidi (1395), Abdollahinejad et al (1395), Ahmadi And Rezaei, (2015), Mohammadifar et al. (2015), Shapiro and Winters (2008), Flavin and Kane (2012) and Ebrahimi Kiyapi et al. (1977). Regarding the negative relationship between the use of foreign media and political participation, the present study is in line with the results of Rezaei and Kazemipour Sabet's (2016) research. The results also showed that there is no significant relationship between the variables of age, sex, married status and degree of religious affiliation with political participation, which is in line with Jafarinia (2012).